

مقدس‌ترین دروغهاست ، آن در وقتی است که پسرے برای نجات دادن پدر خود از چوبه دار - با وجود اینکه میداند پدرش جانی و قاتل و مستحق اعدام است - با يك حس فداکاری قابل تقدیسی - در حضور محکمه اقرار میکند که این جنایت را خود او مرتکب شده ! (تاثیر این مسئله مکرر دیده شده است) بعقیده نگارنده ، غیر از این دو مورد یعنی با استثنای موقعی که انسان میخواهد خود را فدای پدر و مادر یا يك دوست گرامی بنماید یا وطن و هموطنان خود را از يك خطر بزرگی نجات بدهد ، دروغ گفتن بهیچوجه جائز نیست .

گویا سعدی هم غیر از این مقصودی نداشته است زیرا که وزیر میخواست یکنفر بدبخت را از چنك میر غضب يك شاه مستبد و خونخوار برهاند و برای حکیم بزرگوار ایران که میفرماید « بنی آدم اعضای یکدیگرند » افرادش در بسط زمین با یکدیگر هموطن و برادر خوانده بودند و هستند و خواهند بود منتها اگر تا کنون کمتر اشخاص بحقیقت این اصل اساسی آدمیت پی برده اند ، شاعر نوع پرور ایران تقصیری ندارد .

اعتصامزاده

مکتوب نادری

جناب وزارت مآب ایالت و شوکت پناه حشمت و جلال دستگاہر کن رگین دولت ابد مدت روسیه حصن حصین ماکت دوران عدت مسیحیه وزیر اعظم رفع الله قدره رابعه از طی تعارفات آنها آنکه : مکتوب آداب اسلوبی که مشعر بر جلوس مبعثت مانوس حضرت خورشید طاعت زهره برج سلطنت و

کامکاری و دره درج عظمت و شهریاری بر اورنات موروثی و صرف همت پادشاه و الاحابه معزی الیها بر اینکه آثار محبت و اتحاد زیاده بر ازمنه سابقه بین دولتین عظیمین بظهور رسد نوشته بودند سمت وصول یافت و از این خبر بهجت اثر کمال مسرت و شادکامی میسر گشته از اینکه لله الحمد زمام وکالت و سر رشته کفالت آن دولت والا بحیطه اختیار جناب وزیر صایب اندیسر نیکخواه درآمد بهجت بر بهجت افزود و حقیقت اخلاص و دولتخواهی بمساعی جمبله آن عالیجاه شایان تقریبات بعرض اقدس اشرف ارفع امجد امنع همایون اعلی که جانها فدایش باد رسید باعث مزید عنایات شاهنشاه در باره آن وزارت و شوکت پناه گردید درینوقت که افسر و دیهیم سلطنت بفر فرق اقبال پادشاه خورشید کلاه معزی الیها سر باندی یافته خاطر آفتاب مظاهر همایون شاهنشاهی بز متلق بان میباید که بهتر از ازمنه سالفه و بیشتر از ایام خالیه رسم محبت و وداد و شرط مصادقت و صفا بین الحضرتین مرعی و مایحوظ گردد و هرگاه قبل از این بسبب مساهله کار گذارانی که متکفل امور آن دولت میبودند قصور و فتوری در بعضی موارد واقع شده باشد معلوم است که من بعد بصیتل خیر خواهی زنگ زدای آئینه خاطر آفتاب مظاهر شاهنشاهی گذشته حق مصانات و شرایط موالات از آنطرف قرین الشرف بتقدیم خواهد رسید و نوعی خواهد شد که محبت و اتحاد بین الدولتین بحسن سعی و نیکخواهی آن وزارت و شوکت پناه ابدالاباد برقرار و پایدار باشد بمقتضای مراتب حسن عقیدت و اخلاص مطالب و مدعیاتی که درین درگاه خلافت مناص دانسته باشد مجتهدانه اعلام نموده قرین انجاح دانند